نقد عباس سلیمی‌نمین به امیرانتظام

در شماره دوشنبه، ۲۷ فروردین روزنامه «شرق» مطلبی با تیتر «امیرانتظام در داوری اسناد» چاپ شد. عباس سلیمی‌نمین، پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی، در واکنش به برخی مطالب مطرح‌شده در آن جوابیه‌ای تنظیم و برای «شرق» ارسال کرد که در ادامه متن آن را می‌خوانید.

بسمه تعالی

برادر عزیز جناب آقای رحمانیان

مدیرمسئول محترم روزنامه «شرق»

با سلام، به دنبال انتشار مصاحبه برنامه «خشت خام» با آقای امیرانتظام و ارائه مطلبی صددرصد خلاف مستندات تاریخی، حتی خلاف آنچه شخص ایشان به‌عنوان خاطرات در دو دهه قبل مکتوب و منتشر نموده بودند مطلبی را با عنوان «تحریف تاریخ» منتشر کردم. متعاقب آن سایت تاریخ ایرانی مصاحبه‌ای با آقای محسن میردامادی با این مضمون داشت که آقای امیرانتظام جاسوس نبوده است. روزنامه «شرق» این مصاحبه را در هفته گذشته منتشر کرد؛ لذا خواهشمند است به منظور تنویر افکار عمومی این سطور را در معرض قضاوت خوانندگان محترم خود قرار دهید.

هرچند آقای امیرانتظام محاکمه شده و به قول آقای عباس عبدی سزای اعمال خود را دیده است، اما با توجه به اینکه بعد از گذشت سال‌ها (دو دهه) اراده‌ای را شاهدیم که سعی در دگرگون‌کردن ماهیت رخدادهای گذشته و تغییر جایگاه مجرم با بی‌گناه را دارد یادآوری نکاتی را ضروری می‌دانم. قبل از آن باید توجه داشت آقای امیرانتظام در واکنش به اسناد به‌دست‌آمده از سفارت آمریکا و روابط غیرمتعارفش با بیگانگان قبل و بعد از انقلاب اسلامی، توجیهات متناقضی داشته است که نباید از آنها غافل شد:

۱- بر اساس خاطرات آقای امیرانتظام، وی در نامه‌ای به آقای خلخالی می‌نویسد «جناب آیت‌الله خلخالی، وکیل محترم مجلس شورای اسلامی! امروز نظریات جناب‌عالی را که در جلسه شورای اسلامی دوشنبه ۲۳ تیرماه مطرح کرده بودید در روزنامه‌ها خواندم... آیا امکان ندارد که این اوراق موجود در سفارت آمریکا که از طرف کارمندان سفارت قبل از اشغال از بین برده نشد و صحیح و سالم در اختیار دانشجویان قرار گرفته برای این باشد که یک گروه از افراد وطن‌پرست و شرافتمند را ضایع کنند» (آن‌سوی اتهام، خاطرات عباس امیرانتظام، نشر نی، سال ۸۱، صص۲ و ۱۳۱) در این روایت پذیرفته می‌شود که اسناد نشان از داشتن روابط غیرمتعارف با بیگانه دارد اما برجاماندن چنین اسنادی ناشی از رذالت آمریکایی‌ها قلمداد می‌شود.

۲- در جریان محاکمه امیرانتظام ادعای دیگری توسط وی و وکیلش مطرح می‌شود: «وکیل امیرانتظام در طول جلسات محاکمه وی به اتهام جاسوسی که از تلویزیون ایران پخش شد، ادعا کرد ترجمه اسناد مخدوش و معنای آنها کاملا تحریف شده است، بنابراین دادگاه تصمیم گرفت محاکمه را برای انجام تحقیقات بیشتر درباره اسناد متوقف کند. از چندین متخصص درخواست شد ترجمه را دوباره ارزیابی کنند. این ارزیابی یک هفته تمام به طول انجامید و در پایان اعلام شد ترجمه‌ها مطلوب و قابل‌استناد هستند. این برای ما آزمونی حساس بود. همگی نفس راحتی کشیدیم. عباس امیرانتظام به حبس محکوم شد و دوران محکومیت خود را آغاز کرد» (تسخیر، معصومه ابتکار، انتشارات مؤسسه اطلاعات، سال ۷۹، ص۱۳۵).

در این روایت آقای امیرانتظام هم صحت محتوای اسناد را می‌پذیرد و هم روال ثبت و ضبط آن را توسط عوامل سیا در سفارت، اما دانشجویان را به ترجمه غلط متن اسناد متهم می‌کند.

۳- در اردیبهشت سال ۷۷ آقای امیرانتظام بعد از آزادی از زندان در مصاحبه‌ای می‌گوید: «اسناد فوق‌الذکر ساختگی است و در میان این اسناد گذاشته شده، به این دلیل که اساسا ماشین‌های کاغذخردکن اوراق، طوری اوراق را پودر می‌کند که هرگز امکان چسباندن مجدد آنها وجود ندارد. نامه‌هایی که در کتاب شماره ۱۰ وجود دارد قبلا با دستگاه کاغذبری بریده شده، بعد چسبانده شده و سپس کاغذ را تایپ کرده‌اند. درحالی‌که اگر این کاغذها با دستگاه خردکن بریده شده بود هرگز نمی‌شد حروف را به‌درستی خواند». (روزنامه جامعه، هفت اردیبهشت۷۷) در این روایت هرچند ادعاهای دیگری نیز برای به زیرسؤال‌بردن اسناد مطرح می‌گردد. اما اتهامی بزرگ به دانشجویان پیرو خط امام مطرح می‌شده و آن جعل اسناد است؛ به عبارت دیگر آقای امیرانتظام مدعی است اسنادی که مجرم‌بودن وی را ثابت می‌کنند توسط دانشجویان ساخته و پرداخته شده‌اند؛ ادعایی که در جریان محاکمه یا در نامه‌نگاری‌ها هرگز مطرح نشده بود. این اتهام بزرگ موجب شد تا بلافاصله مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی (دانشجویان پیرو خط امام) با صدور بیانیه‌ای به اظهارات امیرانتظام پاسخ گوید: «امیرانتظام مطالبی در مورد روش‌های انهدام اسناد به‌صورت مغلوط نیز ابراز نموده است. اصولا برای سفارتخانه‌ای نظیر آمریکا با آن حجم وسیع فعالیت، انهدام کلیه اسناد طبقه‌بندی‌شده هر چقدر هم که میزان آن کاهش یافته باشد در هنگام مواجهه با حادثه‌ای که در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ روی داد، امکان‌پذیر نیست. در لانه جاسوسی آمریکا تعداد دو دستگاه پودرکن کاغذ و میکروفیش و تعدادی دستگاه‌های رشته کاغذ وجود داشته است. در مدتی که عوامل سفارت با پرتاب گاز اشک‌آور در مقابل دانشجویان مقاومت می‌کردند برای جلب حمایت و توقف اقدامات دانشجویان با مراکز آمریکایی تماس می‌گرفتند و علی‌رغم تأکید آنها نسبت به انهدام اسناد مربوط به سازمان سیا به لطف الهی با عجله‌ای که به خرج می‌دهند و فشار زیادی به دستگاه وارد می‌کنند، به‌طور طبیعی دستگاه خراب و از کار بازمی‌ایستد و به ناچار بخشی از اسناد باقی‌مانده سیا را با دستگاه‌های رشته‌کن رشته کرده و بخش ناچیزی را نیز موفق نمی‌شوند که منهدم نمایند... همان‌گونه که در خلال این اسناد مشاهده می‌شود عباس امیرانتظام به‌عنوان یک هدف تمام‌عیار عملیاتی سازمان سیا با کد و اسم رمز مبادرت به تبادل اطلاعات با مأموران سیا می‌نماید و بر ماهیت این مراودات کاملا اطلاع داشته و می‌دانسته که طرف گفت‌وگو نماینده سازمان جاسوسی آمریکا یعنی سیا می‌باشد. به‌علاوه امیرانتظام تصریح می‌کند که یکی از دلایل رفتن او به مأموریت سفارت ایران در سوئد آن است که مذاکره در خارج از تهران (ایران) آسان‌تر است». (اطلاعیه مرکز اسناد دانشجویان پیرو خط امام، اردیبهشت ۷۷)

در همه این تلاش‌ها و موارد دیگری که به منظور اجتناب از مطول‌شدن مطلب از ذکر آن درمی‌گذریم یک مسئله از نظر آقای امیرانتظام مسجل است و آن مجرمانه‌بودن محتوای اسناد مربوط به وی است؛ بنابراین با وجود چنین اذعان غیرمستقیمی، آقای محسن میردامادی نمی‌تواند ادعا کند که اسناد نشان از روابط غیرمتعارف ایشان با بیگانگان ندارد، مگر آنکه بپذیرند اسناد توسط خودشان ساخته و پرداخته شده یا توسط آمریکایی‌ها کارسازی شده‌اند و...

البته جناب میردامادی به خوبی واقف‌اند که اظهارنظر ایشان در مورد روابط غیرمتعارف آقای امیرانتظام با بیگانه ارزش تاریخی ندارد بلکه به سبب گرایش اخیر ایشان به سوی نهضت آزادی به نوعی دادوستد تلقی خواهد شد، اما متأسفانه یک‌سویه؛ زیرا آقای امیرانتظام حتی در مصاحبه اخیرش با «خشت خام» از ادعاهایش علیه دانشجویان دست برنداشته است. حتی اگر متقابلا امتیازی دریافت می‌داشتند شایسته‌تر آن بود که افرادی چون ایشان بعد از تغییر رویکردهایشان، از ارزش‌ها و اصول هزینه نکنند بلکه با اذعان به برخی تندروی‌ها در مقام دفاع از مصالح جامعه از خود هزینه کنند والا روابط غیرمتعارف آقای امیرانتظام با بیگانه حتی براساس معیارهای دوستان جبهه ملی نیز قابل‌پذیرش نبوده است. ایشان علاوه بر ارتباط با ریچارد کاتم (مأمور برجسته سیا) در دهه سی از ابتدای دهه چهل با مأمور دیگری از سازمان اطلاعات آمریکا به نام جرج کیو با اسم مستعار ادلیک پیوند می‌خورد. بعد از قیام سراسری ملت ایران که آقای امیرانتظام مجددا در سر راه مهندس بازرگان قرار می‌گیرد سردمدار مرتبط‌کردن اعضای نهضت با عوامل سیا تحت عنوان فعالان حقوق بشر است؛ به نوعی که دکتر کریم سنجابی می‌گوید: «در همین ایام بود که از طرف سازمان حقوق‌دانان بین‌الملل، شخصی، به نظرم اگر اشتباه نکنم به نام ویلیام باتلر وارد ایران شد... متوجه شدم این آقای باتلر در جمع رفقای مهندس بازرگان بیگانه نیست و به اصطلاح «سلمان منا اهل بیت» است و با آنها از سوابق کارها و فعالیت مشترکشان صحبت می‌کند. از آنجا دریافتم که تشکیل جمعیت ما مرتبط با سوابقی است و با دستگاه‌های خارجی هم ارتباط دارد. و از آن تاریخ به بعد بنده در این جمعیت طرفداران حقوق بشر ایران شرکت نکردم». (خاطرات سیاسی دکتر کریم سنجابی، انتشارات صدای معاصر، سال ۸۱، ص۳۱۵)

البته آقای صدر حاج‌سیدجوادی نیز در خاطراتش به رابط‌بودن آقای امیرانتظام با آمریکایی‌ها اشاره دارد. (ر.ک به خاطرات صدر انقلاب، ص۲۸) بر این اساس از یک‌سو استدلال‌های بسیار ضعیف آقای امیرانتظام برای زیرسؤال‌بردن اسناد به‌دست‌آمده در سفارت و از دیگر سو دوری‌جستن بخش قابل‌توجهی از نیروهای نهضت آزادی از ایشان حتی قبل از دستگیری و کشف اسناد -که به دلیل فراگیری و کثرت مصادیق آن در خاطرات وی نیز قابل کتمان نبوده است- درمجموع مسائلی نیستند که بتوان به‌سهولت آنها را نادیده گرفت. صدور اطلاعیه از سوی عده‌ای از اعضای نهضت آزادی علیه آقای امیرانتظام، اظهارات صریح آقای ابراهیم یزدی درمورد شخصیت ایشان و تأکید بر این که «اگر من جای نخست‌وزیر بودم هرگز شما را برای همکاری در دولت موقت دعوت به کار نمی‌کردم» و... جملگی به قبل از تصرف لانه جاسوسی و کشف اسناد مرتبطین با این سفارت بازمی‌گردد. حتی مرحوم بازرگان نیز شرط همکاری آقای امیرانتظام با خود را در شهریور ۵۷، منفک‌شدن وی از اشتغالات بازرگانی؟! اعلام می‌کند که متأسفانه این قول براساس مستندات خاطرات وی محقق نمی‌شود. بدون تردید آقای بازرگان با این شرط نمی‌خواسته راه امرارمعاش امیرانتظام را سد کند زیرا اصولا معلوم نبود چه زمانی انقلاب ملت پیروز خواهد شد؛ به‌ویژه در چارچوب مطالبات نهضت آزادی، اما زمانی دلیل این نگرانی مشخص شد که بعد از انقلاب مراودات پرمسئله وی برملا گردید. هرچند آقای امیرانتظام در خاطرات خود ارتباطات اقتصادی پرشائبه را نفی می‌کند، اما مشخص نمی‌سازد که دلیل تأکید آقای بازرگان بر این شرط چه بوده است.

آقای ناصر میناچی هم‌زمان، به دنبال افشاگری دانشجویان پیرو خط امام دستگیر می‌شود به فاصله کوتاهی (چند ساعت) واکنش‌های شدید همه سلایق سیاسی من‌جمله حزب جمهوری اسلامی منجر به آزادی وی می‌گردد، درحالی‌که هیچ‌کس، حتی نیروهای مجتمع در دولت موقت حاضر به دفاع از آقای امیرانتظام برای آزادی‌اش نشده‌اند. این واقعیت در خاطرات امیرانتظام به‌کرات در قالب ناراحتی و گلایه از بی‌تفاوتی آنان ابراز شده است. افرادی چون آقای میردامادی می‌توانند تغییر دیدگاه داشته باشند اما منطقی نخواهد بود که برخی خطاهای خود همچون نگهداری آقای امیرانتظام در اقامتگاه دانشجویان خط امام را با دادن امتیاز به ایشان در مورد روابط غیرمتعارفش با بیگانه جبران کنند.

براساس گزارش سفارت آمریکا در تهران به سفیر واشنگتن در سوئد آقای امیرانتظام یکی از دلایل پذیرش مسئولیت سفارت ایران در استکهلم را داشتن آزادی بیشتر برای ارتباط با آمریکایی‌ها قید می‌کند: «او (امیرانتظام) اینجا به بعضی از ما گفته است که امکان دارد در استکهلم در موقعیتی بهتر از این‌جا برای پاسخ‌گویی به آن باشد. فرض بر این است که رفتن او لااقل تا اندازه‌ای ناشی از پیچیدگی‌ها و مانورهای حلقه داخلی انقلاب می‌باشد و این باعث شده که امیرانتظام احساس کند که درحال‌حاضر در خارج از ایران راحت‌تر خواهد بود». (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، کتاب اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ص۵۳۹)

در گزارش اولین ملاقات سفارت در استکهلم با امیرانتظام به وزیر امورخارجه آمریکا در واشنگتن نیز می‌خوانیم: «در مراسم استقبال از انتظام در استکهلم کاردار ما او را از علاقه سفارت به حفظ همکاری نزدیک با هیئت او مطمئن ساخت و تأکید کرد که ما دوست داریم در مواقع لزوم کمک کنیم. انتظام گفت: ما از این ملاقات مقدماتی بسیار خوشحال شدیم و اظهار امیدواری کرد که ما مسائل خودمان را به او ارجاع کنیم... (همان، ص۵۴۳)

آیا روابط عادی سیاسی، در خارج ایران با آمریکایی‌ها به‌ویژه با افسران بلندپایه سیا بهتر می‌تواند صورت گیرد یا روابط غیرمتعارف؟ همچنین آیا اعلام آمادگی برای حل مسائل و پیشبرد تمایلات آمریکا در ایران امری عادی است؟ محتاطانه‌ترین قضاوت در این زمینه آن است که آقای امیرانتظام دارای روابط غیرمتعارف با بیگانه بوده و در مسیر تأمین نظرات آنان در ایران گام برمی‌داشته است. بنابراین به غلط پنداشته می‌شود که می‌توان واقعیت‌های تاریخ را وارونه ساخت.

آینه

ایران

انگ جاسوسی، اقدامی برای زدن دولت و ناامیدکردن نخبگان از بازگشت است

● **در گفت‌وگو با کاوه مدنی:** من از همان ابتدا با عشق و برای کمک به کشورم بازگشتم، از آقای کلانتری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست هم تشکر می‌کنم که در این حوزه یک پنجره جدید برای کشور باز کردند... برخی زیادی دلواپس هستند و بر همین اساس این حلقه خودی را آنقدر تنگ می‌کنند که در نهایت خودشان هم از آن خارج می‌شوند... ۱۴ سال خارج از ایران و در کشورهای مختلف از اروپا گرفته تا آمریکای شمالی کار و زندگی کردم، اما هرگز تابعیت هیچ‌یک از این کشورها را نگرفتم... جالب است امروز همان‌ها درباره مشکلات و بحران‌های زیست‌محیطی حرف می‌زنند و کاسه داغ‌تر از آش شده‌اند. اینها همان‌هایی هستند که نتیجه سال‌ها تحقیقات و پژوهش‌های حرفه‌ای من درباره آب را ندیده و نشنیده گرفتند، اما حالا می‌گویند کاوه مدنی که (در زمان ساخت خیلی از این سدها و انتقال آب، یک بچه کوچک بوده) در این حوزه مسئولیت داشته و همه این کارها را او انجام داده است! ... تیم کاری خوبی هم داشتیم. الان هم کاری که در ایران انجام می‌دادم را در خارج از کشور می‌توانم انجام دهم. براین‌اساس اصلا نمی‌پذیرم کسی بگوید در سیکل اداری ایران نمی‌توان کاری انجام داد... درباره اتهام مجرم‌بودن و جاسوسی هم باید بگویم که در هیچ موردی هرگز تفهیم اتهام نشده‌ام. هیچ قراری برای بنده صادر نشده و با احترام و به میل خودم از کشور خارج شدم، اما متأسفانه کسانی مدعی هستند که من تخلف کردم... . مثلا یکی از این نمایندگان مدعی شده بود، که برای مدنی حداقل دو تابعیت ثبت شده و او به برخی کشورهای ممنوعه هم سفر کرده و با اسرائیل ارتباط داشته است! اما من می‌پرسم که این ادعاها از کجا پیدا شده و بر اساس چه سندی گفته می‌شود!؟ قبل از این‌که به ما اتهام بزنند، مطالعه کنند و بیاموزند، چراکه ما دلسوز این کشور هستیم و دانش و علم‌مان را در اختیار آنها قرار دادیم.

اعتماد

شنود اصلاحات

● ... نکته اینجا است که چطور یک فعال حزبی اصولگرا از موضوعی امنیتی مطلع بوده و آن را رسانه‌ای نیز می‌کند! مگر نه این است شنود، ابزاری در دست نهادهای امنیتی و اطلاعاتی است و باید در موارد خاص برای حفاظت از منافع ملی به کار گرفته شود؟ چرا یک جریان سیاسی در مظان اتهام است و اهالی آن شنود می‌شوند اما جریان دیگر از هر سر نهان مطلع است؟ محمدرضا خاتمی هم از این بابت نگران است و به «اعتماد» می‌گوید: «ما می‌دانیم بسیاری از رسانه‌ها، سایت‌ها و اشخاصی که چهره‌ای امنیتی، اطلاعاتی و مسئولیتی به این شکل ندارند اطلاعاتی از این دست در اختیارشان قرار داده می‌شود تا شانتاژ سیاسی کنند». محمود صادقی، دیگر نماینده اصلاح‌طلب و رئیس فراکسیون شفافیت: «گرچه من به شخصه نمی‌دانم که شنود می‌شوم یا خیر، ولی این حس در من هم وجود دارد و حتی در مواقعی در محافلی می‌رویم به ما می‌گویند موبایل‌تان را خاموش کنید یا در یخچال بگذارید! درحالی‌که نباید چنین حسی وجود داشته باشد. من هم البته چنین احتیاط‌هایی را رعایت نمی‌کنم چون من کاری نمی‌کنم که بخواهد ضد امنیتی باشد. بعضی مواقع هم پشت تلفن می‌گویم برادری که شنود می‌کنی شما هم گوش کن!»

جوان

کدام مردم را می‌گویید؟!

● این ادعای گزافی است [ادعای اینکه رفع حصر مطالبه اکثریت مردم است]. بسیاری از مردم اتفاقا با رفع حصر مخالف هستند. بسیاری دیگر هم اصلا دغدغه‌شان امر دیگری است و به سران فتنه نمی‌اندیشند. از طرفی دیگر، بخش اعظمی از جرم موسوی و کروبی حق‌الناس است و چطور اصلاح‌طلبان راحت از آن می‌گذرند؟ نکته مهم دیگر آنکه حصر یک اقدام تأمینی برای حفظ امنیت جامعه از آشوب‌طلبی سران فتنه بود و نه مجازات جرم‌های ارتکابی آنها؛ لذا رفع حصر به خودی‌خود محلی از اعراب ندارد و رفع حصر باید منجر به محاکمه این افراد شود. یعنی مسیر بعد از رفع حصر، دادگاه خواهد بود.

ادامه از صفحه ۲

آیا دستگاه قضا با اصحاب قدرت درنیفتاده است؟

رئیس دستگاه قضا ادامه داد: حال در نظر بگیرید که مواردی مانند ورود گوشت‌های آلوده و موارد مشابه اضرار جانی و مالی نداشته باشد؛ آیا به جهت احیای حقوق عامه دادستانی می‌تواند ورود کند؟ یا اینکه همین که در معرض وقوع جرم است دادستانی می‌تواند ورود کند؟ در مثال دیگر در بحث جاده‌ها آیا لازم است حتما در جاده‌ها کسی کشته شود و جرمی به وقوع بپیوندد که دادستانی ورود پیدا کند و به سراغ کم‌کاری بخش متولی در وزارت راه برود یا قبل از وقوع صدمه جانی به مردم در جاده‌ها دادستانی ورود و دستگاه اجرائی را مسئول پیگیری وضعیت جاده کند؟آیت‌الله آملی‌لاریجانی با بیان اینکه احیای حقوق عامه بحثی غیر از تحقق عنوان مجرمانه است، گفت: ورود دادستان‌ها به حقوق عامه گاهی منفک از تحقق وقوع جرم است؛ مثلا در معرض جرم‌بودن نیز ورود دادستانی را می‌طلبد.

دلالی در بازار ارز

وی با بیان اینکه احیای حقوق عامه گاهی به این مقدار است که مردم را از احساس ناامنی خارج کنیم و از دشواری‌های آنها بکاهیم، گفت: مثلا در بحث ضربه‌زدن عده‌ای به اقتصاد کشور از طریق دلالی در بازار ارز، بعضا مشاهده می‌شود که این دلال‌ها با زدوبندهایی وضع اقتصاد کشور را به‌هم می‌ریزند. وقتی که هنوز وضع اقتصادی به‌هم نخورده است، دستگاه قضائی می‌تواند ورود پیدا کند و جلوی تخریب وضع اقتصادی کشور را از طریق پیگیری و تعقیب این دلال‌ها بگیرد و از این حیث در جهت حفظ حقوق عمومی و حفظ نظام اقتصادی کشور اقدام کند.

مستقیم به اصل ۱۵۶ قانون اساسی رجوع کنید

آیت‌الله آملی گفت: دادستان‌ها در بحث احیای حقوق عامه می‌توانند مستقیما به بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی رجوع کنند؛ چراکه بند قانونی مذکور تطبیق قطعی دارد و اطلاق احیای حقوق عامه در این بند قانونی این اختیار را به مرجع قضائی می‌دهد که در موارد نقض ورود پیدا کند. وی با بیان اینکه با توجه به جمیع جهات دادستانی کل باید یک قانون مُنَقّح در باب احیای حقوق عامه تدوین کند، تصریح کرد: البته بار دیگر تأکید می‌کنم که ابهامات موجود نباید مانع کار دادستان‌ها در رسیدگی به مصادیق روشن ناظر بر احیای حقوق عامه باشد.

این بار پول خود را آجر کنید...

انسان در دایره زندگی و تعاملاتی که با سایر ارکان آفرینش دارد، دست به اقداماتی می زند که هر کدام به نوبه خود عکس‌العملی را به او و زندگیش بازتاب می‌دهد. در این میان برخی رفتارهای بشری اگر چه به نوبه خود امری نیک به شمار می‌رود، اما گاه یک نیت خیر می‌تواند همان رفتار را تا درجه‌ای بالا ببرد که حضرت باریتعالی و مجموعه کائنات را به حمد و ستایش اشرف مخلوقات وادارد .

احسان و نیکوکاری، قدر و مرتبه انسانی را تعالی می‌دهد و چگونگی انجام این مهم در هر جامعه بنابر آیین‌ها و رسوم مختلف متفاوت است . اما یکی از اشکال کمک به نیازمندان که تقریبا در همه دنیا به یک شکل است، اهدای رقمی با عنوان صدقه یا نذورات است که درصندوق صدقات یا قلک‌ها ریخته می‌شود.

قلک نه فقط یک جسم سفالی یا پلاستیکی که یک انگیزه مداوم برای هر انسانی است تا بخشی از درآمد مازاد خود را برای آینده پس‌انداز کند؛ مؤسسه خیریه هم در این مجال از شما دعوت می‌کند که سهمی ارزشمند را در مسیر حمایت از کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست، با اهدای یک آجر نمادین برای ساخت بیمارستان فوق تخصصی، مدرسه یا سرپناه به نفع این جمعیت نیازمند اختصاص دهید.

هر اتفاقی ممکن است، اگر دست در دست هم، طرحی نو دراندازیم!

نیکوکاران شریف
حامی زنان و کودکان بدسرپرست
با مجوز رسمی از پلیس امنیت کشور

کارت: ۶۱۰۴-۳۳۷۹-۷۸۱۴-۲۴۳۶
حساب ملت: ۵۰۷۷۵۰۷۷۷۷
سرویس آپ: #۷۳۳*۴*۳۰۲۹۸۹*
سرویس اِمپاد: #۷۲۰*۳۰۲۹۸۹*

nikookaransharif
nikookaransharif
www.sharifcharity.com
۰۲۱-۶۶۱۲۷۱۲۸

نشانی دفتر مرکزی: میدان توحید، خیابان پرچم، بین رودکی و خوش، کوچه نیکوئی، پلاک ۳

شرکت آب منطقه‌ای البرز

مناقصه شماره ۱۳-۹۶ (نوبت دوم)

فراخوان جهت برگزاری تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای حفاری چاه‌های مشاهده ای اکتشافی و پمپاژ محدوده های مطالعاتی استان

شرکت سهامی آب منطقه ای البرز در نظر دارد فراخوان جهت برگزاری تجدید مناقصه عمومی((حفاری چاه های مشاهده ای اکتشافی وپمپاژ محدوده های مطالعاتی استان)) از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید

کلیه مراحل برگزاری فراخوان شامل دریافت و تحویل اسناد مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی،مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۹۷/۲/۴ می‌باشد.اطلاعات و اسناد مناقصه از طریق سامانه قابل دریافت می باشد.

مهلت دریافت اسناد: تا ساعت ۱۹مورخ ۹۷/۲/۷

مهلت ارسال پاسخ: تا ساعت ۱۹ مورخ ۹۷/۲/۷

● زمان بازگشایی پاکات:ساعت ۱۰صبح مورخ ۹۷/۲/۱۸

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گذار: کرج- مهرشهر-بلوار امام خمینی(ره)-روبروی مصلی-خیابان بوستان- شرکت سهامی آب منطقه ای البرز- کد پستی ۳۱۸۶۷۱۷۵۹۸-تلفن۳۲۰-۳۱۰- ۰۲۶۳۳۳۴۲۳۰۰

اطلاعات تماس سامانه جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:مرکز تماس ۲۷۳۱۳۱۳۱، ۰۲۱ دفتر ثبت نام:۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ -۰۲۱

شرکت سهامی آب منطقه ای البرز